

هیجان انگیز

احمد رضا درویش:
منتظر نسخه قانونی «رستخیز» باشید

بعد از انتشار نسخه غیر قانونی فیلم «رستخیز»، احمد رضا درویش در گفت و گویی ضمن انتقاد مجدد از شرایطی که منجر به انتشار نسخه غیر قانونی این فیلم در فضای مجازی شد، از علاقه مندان خواست منتظر انتشار نسخه قانونی آن باشند. او در حاشیه برنامه‌های در شبکه‌های فیلم گفت: «من با انگیزه‌هایی فراتر از صرف فیلم‌ساختن، همراه با گروه «رستخیز» را ساختم. پس طبیعتاً کارن نشدن آن یا انتشار غیر قانونی اش دلسردمان نکرده است و فکر می‌کنیم همین که قدمی برداشتم و «رستخیز» ساخته شد، توفیق بوده است.» او در عین حال تأکید کرد: «تنها ناراحتی ما مظلومیت فیلم است. مدیریت فرهنگی کشور ما باید برای مسأله‌ای که فیلم با آن روبه‌رو بود، تدبیری می‌اندیشید نه این که صورت مسأله را پاک کند. انتشار غیر قانونی فیلم لطمه شدیدی به ما زد، در حالی که می‌شد اتفاقات بهتری را رقم زد.»

احمد رضا درویش ادامه داد: «مانه‌ها بودجه بیت‌المال برای ساختن این فیلم استفاده کردیم و نه کسی کمکی به ما رساند، بلکه خودمان جذب بودجه کردیم و حتی از خارج کشور اقداماتی انجام شد. در آینده کتابی در مورد ساخت «رستخیز» می‌نویسیم و به این آسیب‌ها دقیق‌تر اشاره می‌کنیم. ما حتی برای اکران فیلم در خارج از کشور اقداماتی انجام دادیم که متأسفانه پخش غیر قانونی فیلم همه چیز را خراب کرد، در حالی که می‌توانست پیامدهای مثبت و ماندگاری به بار آورد. ما به عنوان افرادی که بر اساس باورهای مشخصی دست به ساخت فیلمی مثل «رستخیز» زده‌ایم، حق نداریم ناامید شویم. اگر علاقه مندان صبر کنند، توسط صاحبان فیلم به صورت کلاماً قانونی و شرعی فیلم بارگذاری خواهد شد و می‌توانند آن را با کیفیت خوب تماشا کنند.» او در مورد ساخت فیلم جدید و نگرانی از تکرار تجربه «رستخیز» گفت: «شاید از منظر عقلانی کسی که مثل من فیلمش اکران نشده و بعد هم اثرش غیر قانونی نمایش داده شده است، از ادامه کار بترسد و این احتمال را بدهد که ممکن است این اتفاق بار دیگر رخ دهد.»

درویش تأکید کرد: «آن چه برای «رستخیز» رخ داد، سرعت فرهنگی است. من دوست دارم هم کسانی که این فیلم را منتشر کرده‌اند، هم مسلمانان معتقد و شیعیان عرب و غیر عرب بدانند ما به عنوان سازندگان و صاحبان اثر راضی نیستیم که فیلم به این صورت منتشر شده و امیدواریم مردم خودشان از دیدن فیلم پرهیز کنند و دیگران را هم از تماشای «رستخیز» در فضای مجازی که عملی حرام است، پرهیز دهند.»

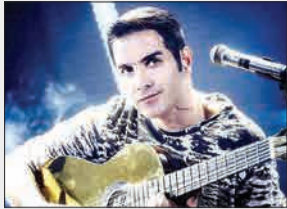
خبر

اسپیلبرگ داستان وست ساید را اتمام کرد

کارگردان سرشناس با انتشار پستی در توئیتر از پایان یافتن کار فیلمبرداری فیلم جدیدش «داستان وست ساید» خبر داد. اسپیلبرگ و گروه بازیگران فیلم جدیدش به سختی کار کردند تا نسخه جدیدی از «داستان وست ساید» را بسازند. اکنون برده‌های این فیلمبرداری این فیلم به پایان رسیده است. مهر نوشت: این کارگردان با انتشار عکس‌هایی از پشت صحنه این فیلم و نامه‌ای حاکی از تشکر قلبی‌اش از همه دست‌اندرکاران این پروژه، این خبر را با طر فدارانش در میان گذاشت. «داستان وست ساید» که ملهم از «رومئو و ژولیت» است؛ داستان ۲ خانواده در شهر نیویورک را روایت می‌کند که یکی از آنها با عنوان جشن نماینده سفیدها به ریاست ریف بازی مایک فیست دیگری کوسه‌های پور تور یوکویی به رهبری برناردو با بازی دیوید آلوز هستند. همه ماجراها با وسط آمدن پای ماریا خواهر برناردو که ریچل ز کلر نقشش را ایفا کرده، شروع می‌شود.



بستن کمر بند می‌تواند خطر مرگ و میر را در سر نشینان صندلی عقب، ۲۵ تا ۷۵ درصد کاهش دهد.



یک حماسه آفرینی مجازی دیگر

محسن یگانه
محبوب‌تر از
تیلور سوئیفت!

شهروند این روزها گالگ دور، دورر کوردشکنی خوانندگان ایرانی است. بعد از این که دیرز محسن چاوشی و همایون شجریان در سایت بیب‌توئز رکوردشکن شدند، حالا امروز چشم‌همان به جمال محسن یگانه روشن شده که با ۷۰ میلیون بازدید در یوتیوب رکوردی جهانی به نام خود ثبت کرده است. قطعه رکوردشکن محسن یگانه «پت قول می‌دم» نام دارد که ویدیوی این اجرا صاحب رکورد دست‌نیافتنی ۷۰ میلیون بازدید شده است. در شرایطی که یوتیوب در ایران در دسترس نیست، رکورد عجیب یگانه با نشان از مخاطبان جهانی‌اش دارد. با صفر رکوردشکنی تبلیغاتی است که حضور چهره‌هایی چون تیلور سوئیفت و جنیفر لوزی و بی شمار ستاره جهانی دیگر این گزین را معقول تر جلوه می‌دهد!

رخ به رخ با سیاوش اسعدی کارگردان فیلم در خونگاه

«قهرمان» را متفاوت بودنش
جذاب می‌کند

فیلم در خونگاه خود آقای کارگردان می‌توانم بر زبان آورم و بگویم که «بدی در خونگاه، در روزگار کم‌دی‌های سس‌خیف و فیلم‌های سفارسی این است که مرزهای جدیدی برای سینمای اجتماعی ترسیم می‌کند؛ مرزهایی که برخلاف همیشه، مفاهیم انتزاعی غیر قابل محاسبه‌ای چون شرافت و استقلال هم در ترسیم آنها نقش مهمی دارد.»

در خونگاه یک فیلم تلخ اجتماعی است؛ با قهرمانی تلخ و تک‌افتاده که می‌آید تا روایتش را در خاکش تعبیر کند، ولی...



رودرو با سیاوش اسعدی، می‌شد درباره ظرایف و جزئیات فیلمنامه در خونگاه پرسید و جواب گرفت. درباره معماری روایت فیلمش یا جنبه‌های کارگردانی فیلمی چنین جمع‌وجور یا حتی بازی‌های بازیگرانی که انکار آید دیده و نشان داده‌اند که چه بازیگران قبلی هستند. حتی می‌شد درباره جنبه‌های کنایی کار حرف زد یا مفاهیم آشکار و نهان فیلمنامه. اما این حرف‌ها بلند برای یک دیدار دیگر و گفت‌وگویی مفصل تر (که سیاوش قول داده به صورت گروهی، با بازیگران فیلمش و خود آقای کارگردان، البته، داشته باشیم). فعلاً بد نیست درباره این موضوع حرف بزنیم که فیلمی مثل در خونگاه چرا و چگونه ساخته می‌شود.

• سیاوش عزیز! در خونگاه از ابتدا یک فیلم پر در دسر به نظر می‌رسید؛ از آنهایی که نه دنیا را دارد و نه آخرت را. فیلمی که معلوم بود به سلیقه عوام طرفدار رحمان ۱۴۰۰ می‌تواند محبوب ارگان‌های سرمایه‌گذار باشد و رضایت این طیف را به دست آورد. چه شد که این کار را کردی؟

من اصلاً این را قبول ندارم. تو زمانی می‌توانی این سؤال را بپرسی که مثلاً یک فیلمساز که سال‌ها فیلم کم‌دی می‌ساخته، ناگهان بیاید و یک فیلم اجتماعی تند و تیز بسازد. من اما همیشه در دنیای این نوع سینما بوده‌ام.

• خوب، من هم همین را می‌گویم دیگر. یک موضوع اجتماعی تلخ و تند بی‌تردید چالش‌های زیادی برای سازنده‌اش به وجود می‌آورد. نگران این چالش‌ها نبودی؟ این را دو جور می‌شود پاسخ داد. اولی این است که من شغلم فیلمسازی است و باید فیلم بسازم و چالش‌ها و دشواری‌هایش را هم به جان بخرم. دومی اما از این منظر است که من در فیلم‌های قبلی‌ام هم زیاد دور از این مسیر نبوده‌ام. من فیلمساز اجتماعی هستم. موضوع همه فیلم‌هایم اجتماعی بوده است.

• اما دشواری‌ها از جایی آغاز می‌شود که در این سرزمین اغلب انتقادات اجتماعی با عینک سیاسی ارزیابی می‌شود.

می‌دانم، برای همین هم تأکید می‌کنم که من، سیاوش اسعدی، یک فیلمساز اجتماعی هستم، نه سیاسی. اما اگر در جاهایی نقد اجتماعی فیلم مرا با نگاهی سیاسی دیدند، چاره‌ای جز پذیرفتن این موضوع ندارم. به هر حال دغدغه داشتن هزینه‌ها در دیگر!

• چه دغدغه‌ای تو را به این مسیر کشانده است؟

می‌دانی که زیاد دوست ندارم درباره این چیزها حرف بزنم. فیلمساز وقتی می‌آید و درباره دغدغه‌های اجتماعی‌اش حرف می‌زند، یک جور ناخودآگاه فیلم‌آر تبدیل به بیانی می‌کند که من از این نوع نگاه به سینما خوشم نمی‌آید.

• اما به هر حال باید دلیلی وجود داشته باشد که یکی می‌آید و فیلم کم‌درسی می‌سازد و پول پارو می‌کند و آن دیگری کاری می‌کند که پر از در دسر و گرفتاری است. این دیگر به خود آن فیلمساز و تفکر و جهان‌بینی‌اش ربط دارد. من برای این که حرف‌هایم رنگ خودپسندی نداشته باشد، می‌خواهم از خود تو مثال بزنم. این که چندسال پیش می‌آیی و فیلمی می‌سازی که هنوز هم به نمایش در نیامده، نشان از این دارد که یک چیزهایی برایت مهم است و برای گفتن آنها حتی روی کارت هم ریسم می‌کنی. من نه فقط به دلیل رفتی که با تو دارم، که بیشتر به دلیل نگاهت که می‌شناسم، خیلی دوست دارم دوباره بتوانی فیلم بسازی. راستی چرا فیلمت نمایش نمی‌دهی؟

• گفتند تلخ و سیاه است، البته آن موقع موضوع مواد مخدر در دبیرستان‌ها مثل امروز رسانه‌ای نشده بود و دوستان مدیر از چنین موضوعی ترسیدند. اما حالا که حتی در صداوسیما هم گزارش‌های

درباره این موضوع پخش می‌شود، نمی‌دانم مشکل فیلم من چیست. بگذریم... سیاوش عزیز! تو خودت هم فیلمساز زیاد پرکاری نیستی، با این که فیلم‌هایت آثار موفقیت‌آمیزی بوده‌اند (هم حوالی اتوبان و هم جیب‌بر خیابان جنوبی کارهایی بودند که تماشاگر راضی از سالن بیرون می‌رفت). این کم‌کاری دلیل خاصی دارد؟

شاید تندی... ولی شنیده‌ام فیلمنامه‌های زیادی نوشته‌ای که ساخته نشده‌اند.

چندین و چند فیلم نوشت در فاصله جیب‌بر خیابان جنوبی تا همین در خونگاتوشیم.

• که ساخته نشدند، چرا؟

هر کدام به دلایلی. حقیقتش شرایط ساخت‌شان جور نمی‌شد. منظوری که شرایط هم بود چه آن چنانی نیست، نه. می‌خواستم با یک بودجه کمی جدی، فیلم را کار کنم. جوری که وسط کار مجبور نشوم از سر و ته کار بزنم؛ به خصوص که آن کارها یک زمینه تاریخی هم داشتند که می‌دانید این قضیه هزینه ساخت فیلم را بالا می‌برد.

• در خونگاه واکنش شما به آن قضیه نبود؟ این که بیای و داستانی را روایت کنی یا لوکیشن‌های محدود و تنها چند بازیگر. اصلاً بگذار این گونه بگویم که در خونگاه شبیه یک نما پشنامه به نظر می‌رسد که با نگاهی سینمایی و توسط کارگردانی که سینما را می‌شناسد، تغییر مدیوم داده است.

در این که لطف داری، شکی نیست، اما از این نظر حق با شماست که ما از یک نمایشنامه اقتباس کرده‌ایم.

• چرا؟

انتفاقی. در اواسط یک فیلم‌نوشتی گیر کرده بودیم و کار جلو نمی‌رفت که یاد این کار افتادم و نوشتیم به نوشتن.

• در زمان جشنواره یکی از حواشی فیلم‌تان به این دلیل پیش آمد که منتقدی معروف در خونگاه را به دو پهلو گویی و نگاه سیاسی وزیر سوال بردن مردم متهم کرد.

پیش از این که درباره آن منتقد محترم حرف بزنم، باید درباره در خونگاه بگویم که این فیلم داسخان یک خانواده فقیر محترم است که پسرشان برای کارگری به ژاپن رفته است. این پسر در آمدش را به ایران می‌فرستد تا خانواده‌اش برای او پس انداز کنند، ولی خانواده تصمیم می‌گیرند با آن پول یک کاری راه بیندازند تا هم سرمایه پسر افزایش پیدا کند و هم این که خودشان هم به نان و نوایی برسند. ولی وقتی از روی جهل پول را به فردی نزول خوار می‌دهند،

تمام سرمایه هشت‌ساله پسر از دست می‌رود. این یعنی فروپاشی، تخریب نه‌نگاه دو پهلو یا سیاسی.

• ماجرای تقدیر کردن فیلم‌تان به مسعود کیمیایی هم از دیگر حواشی فیلم بود. چرا؟ تترسیدید دنبال مشابه‌های کارتان یا کیمیایی بگردند و انگ به شما بزنند؟

در خونگاه ربطی به سینمای مسعود کیمیایی ندارد، با این که کتمان نمی‌کنم با کیمیایی در خیلی چیزها؛ جمله در مورد یک طبقه اجتماعی و فرهنگ و مناسبات و داستان‌های این طبقه سلیقه و درک مشترکی داریم. بگذریم از این که حتی اگر این درک و سلیقه مشترک هم نبود، من به مسعود کیمیایی به عنوان جریان‌سازترین کارگردان سینمای ایران ارادت خاصی دارم و بنابراین حس کردم به خصوص در این روزگار که از همه طرف به او حمله می‌کنند، بگویم که ششیر تا زمانی که زنده است، هنوز و همیشه ششیر است، نه این که مثل بیشتر جماعت مرده‌پرست دورو بر طرف‌را از هر سو مورد حمله قرار دهیم و بعد زمانی که از دنیا رفت، طواحل‌لواش کنیم و روی سر بگذاریم.

• این درک و سلیقه که گفتید، باعث شد که به خصوص در نقدهای تلویزیونی زمان جشنواره به شما حملات زیادی شود و حتی متهم شوید به فیلم‌ساختن در باره طبقه‌ای که دیگر حیات اجتماعی‌اش چندان ندارد.

این ادماها هنوز هم می‌شود دید و اصلاً وجود نداشتند که من سراغ‌شان نمی‌رفتم که فیلم بسازم.

• فکر نمی‌کنید این قبیل افراد چون زیاد نیستند، این حرف‌ها را می‌زنند؟

خوب، این که در ذات مفهوم قهرمان است. اگر یک آدمی شبیه آدم‌های پرشمار باشد که در کنارشان زندگی می‌کند، آن وقت که دیگر نمی‌شود به او گفت قهرمان. قهرمان را این تک‌بودن و یکه‌ویگانه‌بودنش است که جذاب می‌کند. یعنی این که مثل بقیه زندگی نمی‌کند و تصمیم نمی‌گیرد؛ که اگر این کار را می‌کرد، یکی می‌شد مثل بقیه آدم‌های دور و اطرافش.

امین حیایی از نگاه آقای کارگردان

مثل هیچ‌کس!

• از همان اول کار می‌دانستی که قرار است امین حیایی نقش اصلی را بازی کند؟ یعنی نقش را برای او نوشتید؟

پیش از پاسخ به این سؤال باید بگویم که امین در این فیلم بی‌ظنیر است، عالی، درجه یک، زنده و به اندازه. آن هم در نقشی که شبیه‌ش را تاکنون از امین ندیده‌ایم. اما او با این کار نشان داده که چه بازیگر بزرگ و ظرفیتی است. امین در این فیلم نقش جوانی را دارد که تازه از ژاپن برگشته است. این که تاکنون در کارنامه امین حیایی او را در قالب چنین قهرمانی و با واژگان و دیالوگ‌های خاص این فیلم ندیده‌ایم، موضوعی است که نقش را هم برای خود بازیگر و هم برای تماشاگر جذاب می‌کند.

• گفتید که آن نقش را برای امین نوشتید یا نه؟

بگذار این گونه بگویم که امین اولین انتخاب من بود. حتی شاید تنها انتخاب هم بتوانم بگویم، چون این فیلم در سه دفتر مختلف قرار بود ساخته شود و در هر سه دفتر، با سه تهیه‌کننده مختلف، قرار بود امین حیایی این نقش را ایفا کند. تصمیمی که از زمان نگارش فیلم نوشت گرفته شده بود.

تربیتون

علیرضا شجاع نوری:



«وقتی عباس کیارستمی نخل طلای کن را به دست آورد، من دیگر کرخت شده بودم. واقعیتش سینمای ما

خیلی سینمای بارز شمی بود و چون زمان اولین سفر اکثر فیلمسازها با من بود، سعی می‌کردم بهشان بیاورانم که این افتخار تو نیست که به آن فستیوال می‌روی. این افتخار آن فستیوال است، حتی زمانی که فستیوال نانت به امیر نادری به خاطر «آب، باد، خاک» جایزه داد، روی سن گفتم این افتخاری برای نانت است که جایزه‌اش را امیر نادری می‌گیرد؛ که من مترجم فکر کرد اشتباه شده است.»

امیرعباس گلاب:



«این که در فیلم سینمایی «سلفی با دموکراسی» نقش فرشته مرگ را قبول کردم، به این دلیل است

که شبیه عزرا بیل هستم و موهای بلندی دارم. به هر حال برای من، حال‌وهوای این نقش که ادبیات و استایل خاص خودش را دارد، جالب بود.»

کاظم طالقانی:



«به هر حال و بلموس مطالباتش را می‌خواهد و فدراسیون هم موظف است طلب وی را بدهد. این که و بلموس

چیزی نمی‌گوید، نشانه حجب و حیای اوست و تفاوت این مری با مریباتی که نمی‌تواند اعصاب خودشان را کنترل کنند، این نکته موقع مشخص می‌شود. و بلموس صبر و حوصله زیادی دارد و فدراسیون فوتبال هم سعی کرده تا آن‌جا که می‌شود، با وی صحبت کند و او را متقاعد کند که مطالباتش حتما پرداخت می‌شود. این هنر تاج است که و بلموس را حفظ کرده و اجازه نداده او ذهنش را درگیر این مسائل کند.»

مهدی پاشازاده:



«در جایی بودم و گفتند چون با جوان‌ها کار کرده‌ایم، بیا مری شو، اما گفتم آنها دنبال اسم

هستند تا رزومه و عقبه. تیم امید به المپیک صعود نمی‌کند، مگر این که معجزه‌ای رخ دهد. این نسل فوتبالی هم نابود شد. پس از این که تیم امید نتوانست به المپیک برود، کمیته‌ای تشکیل می‌دهند و آقایان چای و شیرینی می‌خورند و می‌گویند تا یک‌سال دیگر تصمیم‌گیری می‌کنیم. اردوی خارج از کشور نمی‌رویم و نهایت کار اردو در سرعین اردبیل بر گزار می‌کنیم. بنابراین، همان‌طور که همان کاسه است و هیچ برنامه‌ریزی نمی‌کنند. انتخاب‌های ما سیاسی است یا مُد شده که در فضای مجازی هر کسی بیشتر فالوور داشته باشد، انتخاب شود!»

رویداد

طار می‌دوباره سوزه شد
این بار گل به خودی

گل به خودی مهدی طارمی در ترکیب تیم روی آوه حسایی سوزه شده است. مهاجم ایرانی روی یک ضربه کرنر آرسالی به اشتباه دروازه خودی را باز کرد تا این مسابقه یک بر یک شود و پیروزی از چنگ تیم پر تغالی برد. همین موضوع سوزه‌رسانه‌های پر تغالی شد و خیلی‌ها به طارمی بابت چنین حرکتی انتقاد کردند. مهدی طارمی در حالی‌برابر تیمونسن گل به خودی زد و منجر به اخراج بازیکن حریف شد که در چهار مسابقه این فصل لیگ برتر بر تعال سه گل به ثمر رسانده و پنج پالتی گرفته است و حالا با اتمام بازی تیمش در لیگ کاپ باید به تهران بیاید تا در اردوی تیم ملی شرکت کند.

